

تأثیر دانش آینده‌پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارایه مدل

مریم تقی‌زاده ولشکلا^۱، مریم تقوایی یزدی^{۲*}

تاریخ دریافت: 1399/05/12

تاریخ پذیرش: 1399/12/07

چکیده

هدف این پژوهش تأثیر دانش آینده‌پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارائه مدل بوده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، روش گردآوری اطلاعات میدانی و از نظر روش اجرا توصیفی از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری شامل کلیه کارشناسان و متخصصین برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران در سال تحصیلی 99-1398 به تعداد 194 نفر بودند، که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (بر حسب جنسیت) 123 نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد دانش آینده‌پژوهی پارسا و همکاران (1390)، برنامه درسی شیخی (1388) و پرسشنامه محقق ساخته برنامه‌ریزی آموزشی بود. روایی این پرسشنامه‌ها توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت، پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ (دانش آینده‌پژوهی برابر 0/78، برنامه درسی برابر 0/84 و برنامه‌ریزی آموزشی برابر 0/86 صدم) محاسبه گردید. برنامه آموزشی که توسط محقق تدوین شد که بر اساس مدل نظریه‌مبنایی حاصل از مصاحبه‌های ساختاریافته تنظیم شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای Spss و Lisrel استفاده شد. نتایج نشان داد که دانش آینده‌پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارائه مدل تأثیر دارد و 4 مؤلفه از دانش آینده‌پژوهی شامل درک مفهومی، توانایی محاسبات، روحیه آینده‌نگری و روش‌شناسی مشخص شد.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، برنامه آموزشی، برنامه درسی، مدارس کارآفرین.

1. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، مازندران، ایران.
2. * نویسنده مسئول: دانشیار رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، مازندران، ایران.

مقدمه

آموزش و پرورش ایران برای اصلاح ساختار خود با چالش‌هایی هم‌چون به روز نبودن روش تدریس‌ها، کمبود اعتبارات و فضاهای آموزشی و دیوارکشی بین بعد پرورشی و بعد آموزشی و ضعف در فراهم کردن مدیریت آموزشی کارآمد و متخصص و ناتوانی در بکارگیری فناوری‌های اطلاعات و روش‌های جدید و غیره مواجه می‌باشد، بنابراین آینده‌نگری و آینده‌شناسی می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مختلف آموزش و پرورش به ویژه برنامه درسی برای مقابله با تهدیدات و نگرانی‌های تربیتی آینده پیشگیرانه عمل نماید، مشروط بر آن که مسئولان با هوشمندی، علمی و عاقلانه و در نظر گرفتن تمامی جوانب و نیازها دست بکار شوند و در رفع مسایل و مشکلات، گام موثر بردارند تا در آینده نه چندان دور بر مشکلات فائق شوند (خلیفه و خلیفه، 1397).

آینده‌پژوهی یکی از روش‌های مدرن مطالعه‌ی آینده است و از شاخه‌های فناوری‌های نرم محسوب می‌شود؛ البته هدف این علم نه تنها کشف آینده بلکه اساساً مهندسی هوشمندانه‌ی آینده است؛ درست به همین دلیل که آینده‌پژوهی جزو فناوری‌های نرم است و دانشی جهت‌دار به شمار می‌آید؛ از این رو اقتباس و تقلید کورکورانه از آن می‌تواند فوق‌العاده گمراه‌کننده و خطرناک باشد (مظاهری، 1396). در واقع آینده‌پژوهی دانش شکل بخشیدن به آینده، متناسب با امیال و آرمان‌های فردی و سازمانی است و هم‌چنین مشتمل بر مجموعه تلاش‌ها و استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن می‌پردازد (عراقیه و همکاران، 1397). در این راستا می‌توان گفت آینده‌پژوهان به آینده جوامع و تمدن بشری توجه دارند. درباره سابقه آینده‌پژوهی باید گفت که، آینده‌پژوهی را دانشمندان و پژوهشگرانی گسترش داده‌اند که می‌خواستند دانش را در خدمت حل مسائل بشری به کار گیرند. آینده‌پژوه، حقایق تاریخی و دانش علمی را به کار می‌گیرد و ارزش‌های بشری و تخیل را به آن‌ها می‌افزاید تا تصویرهایی از آنچه در آینده ممکن است به وقوع بپیوندد، خلق کند، آینده‌پژوهی همان تاریخ است، اما تاریخی که به جای گذشته، آینده را می‌کاود. فرآیند مطالعه و بررسی آینده‌های محتمل از طریق روش‌های علمی است (گوهری‌فر و همکاران، 1394).

برنامه آموزشی فرآیندی است که هر موقع یک فعالیت آموزشی طرح‌ریزی می‌شود، طی می‌گردد. حتی موقعی که از کارشناسان خواسته می‌شود یک سخنرانی کوتاه یک سمینار یا کارگاه ارائه دهند (کشاورزی و همکاران، 1396). همین‌طور برنامه آموزشی طرح کلی برای یک فعالیت آموزشی است. این برنامه می‌تواند یک دوره یک ساعته، یک روزه، یک هفته‌ای و یا یک ساله یا بیشتر باشد و فرصت‌های یادگیری برای رسیدن به هدف‌های کلی و جزئی برای جمعیت معین را فراهم می‌کند؛ اما برنامه‌های درسی پایه و اساس دسترسی نظام آموزشی به اهداف مورد نظر خویش است. لذا شناخت نقاط قوت و ضعف و در نهایت اصلاح و بهبود آن برای دست‌یابی طراحان، سیاست‌گذاران و مدیران نظام برنامه‌ریزی درسی کشور به اهداف مورد نظر از مهم‌ترین وظایف ارزش‌یابی برنامه‌های درسی است؛ زیرا وجود یک نظام ارزش‌یابی برنامه‌های درسی است زیرا وجود یک نظام ارزش‌یابی صحیح و توانمند امکان اثربخشی و کارایی برنامه‌های درسی را افزایش می‌دهد (خضری و همکاران، 1398). برنامه آموزشی کلیه ابعاد و ارکان آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد و تمام انواع آموزش و پرورش چه اجتماعی، اقتصادی، فردی، ابتدایی، متوسطه یا عالی، رسمی یا غیر رسمی، چه توسط سازمان‌های آموزش و پرورش یا مؤسسات و سازمان‌های دیگر، همه را شامل می‌شود.

برنامه درسی محصول برنامه‌ریزی درسی است. برنامه‌ریزی درسی، شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده‌ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است. بنابراین فرایند برنامه‌ریزی درسی شامل سازماندهی فعالیت‌ها و ارزشیابی می‌باشد و هدف آن ایجاد تغییرات مطلوب و محور آن یادگیرنده است؛ اما از نظر فیلیپ کومز، کارشناس برجسته یونسکو، برنامه‌ریزی آموزشی «کاربرد تجزیه و تحلیل منطقی در آموزش و پرورش به منظور افزایش کارایی» است؛ یعنی کار برنامه‌ریز آموزشی، تحلیل نظام دار و منطقی مسایل و مشکلات آنی و آتی آموزش و پرورش و تلاش به منظور حل این مشکلات است. این اقدام نهایتاً بهره‌وری و کارایی نظام آموزشی را افزایش خواهد داد و محور آن نظام آموزشی تلقی می‌شود. برنامه‌ریزی آموزشی را می‌توان «سازماندهی یا اصلاح فعالیت‌ها، تجهیز منابع و امکانات آموزشی برای تحقق بهتر اهداف آموزشی» تعریف نمود. وسعت و اهمیت برنامه آموزشی با تحلیل مختصر نظام آموزشی وضوح بیشتری پیدا می‌کند. برنامه آموزشی عبارت است از کاربرد روش‌های

تحلیلی در مورد هر یک از اجزاء نظام آموزشی و هدف آن استقرار یک نظام آموزشی کارآمد است (مشایخ، 1393). در این باب می‌توان گفت: برنامه آموزشی شامل بُعد درونی: در بُعد درونی به منظور تأمین نیازهای آموزش و پرورش پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل انجام می‌گیرد، و بعد بیرونی: در بعد بیرونی برنامه آموزشی پیوند بین آموزش و پرورش و تأمین نیروی انسانی بخش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است (کریم‌زاده، 1392).

برنامه درسی به محتوای رسمی و غیررسمی، فرایند محتوی، آموزش‌های آشکار و پنهان اطلاق می‌گردد که به وسیله آن فراگیر تحت هدایت مدرسه دانش لازم را به دست می‌آورد، مهارت را کسب و گرایش، قدرشناسی و ارزش‌ها را در خود تغییر می‌دهد (محمدامین‌زاده و همکاران، 1394). برنامه درسی که جوهره هر نوع آموزشی است که در ترکیب با روش‌های موثر تدریس، کارامدی و اثربخشی نظام آموزشی را تضمین می‌کند. از این روی تعیین ساختار بهینه نظام برنامه‌ریزی درسی و انتخاب و سازماندهی محتوا از جمله دل مشغولی‌های سیاست‌گذاران نظام‌های آموزشی بوده است (کمالی و همکاران، 1395). و از آنجایی که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می‌یابد، می‌بایست با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود تا برنامه درسی با غنای کامل و عملی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی‌های پرشتاب آینده پاسخ دهد (مرادی برزل‌آبادی و رستم‌آبادی، 1392). برنامه‌های درسی آینده‌محور با توجه به سند تحول بنیادین برنامه درسی باید مبتنی بر اصول، مبانی و ارزش‌های اسلامی ناب، یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی باشد، برنامه‌هایی منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط آفرین، پویا و انعطاف‌پذیر و مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات که به عنوان یک منبع راهبردی، نقش بسزایی در تحول و تعالی آموزش و پرورش دارد (جدالی، 1395). برنامه‌ریزی درسی در یک کشور حرکتی بسیار بزرگ محسوب گردیده که باید براساس برنامه‌ریزی درسی یک تابعی که متغیرهای زیادی در تنظیم و اجرای آن دخالت دارند، طرح‌ریزی گردد؛ لذا باید متغیرها هم در این طرح‌ریزی اهمیت داشته باشند. به این معنا که آن‌ها نیز در بعد وسیعی تأثیرات لازم را در بنیانه‌ای آموزشی دارا باشند (رضایی، 1395). برنامه درسی، شامل کلیه تجربه‌ها، مطالعه‌ها، بحث‌ها، فعالیت‌های گروهی و فردی و سایر اعمالی است که فراگیر تحت سرپرستی و راهنمایی مدرسه انجام می‌دهد (قادری، 1393). بنابراین از آنجائیکه آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می‌یابد، می‌باید با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود که برنامه درسی با غنای کامل و علمی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی‌های پر شتاب آینده پاسخ دهد (زمانی مقدم، 1394).

صادقی و میرسیاسی (1398) پژوهشی تحت آسیب شناسی شیوه اجرای برنامه درسی رشته «آموزش جغرافیا» در دانشگاه فرهنگیان انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که از نظر سه گروه جامعه هدف، راهبردهای تدریس، اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری مهم‌ترین عناصر برنامه درسی هستند که با مقادیر مختلفی در زمره مهم‌ترین آسیب‌های اجرای برنامه درسی آموزش جغرافیا محسوب می‌شوند. عراقیه و همکاران (1397) پژوهشی تحت عنوان تبیین آینده‌پژوهی در ارتقاء برنامه‌های درسی موسسه آموزش عالی علامه خویی^(۵) شهرستان خوی انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که پیوندی میان آینده پژوهی و برنامه درسی وجود دارد و لازمه آن قیام به عمل است و جایگاه آینده پژوهی در برنامه درس آموزش و پرورش باید مورد تحلیل قرار گیرد.

جدالی (1395) پژوهشی تحت عنوان آینده پژوهی در آموزش عالی و ضرورت توجه به آن در دانشگاه پیام نور تربت حیدریه انجام داد. یافته‌ها نشان داد که آینده پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (امروز)، واقعیت (فردا) تولد می‌یابد. رویکردی نوآورانه و آینده پژوهانه در برنامه درسی آموزش و پرورش، یک ضرورت است. برنامه‌های درسی آینده درسی محور با توجه به سند تحول بنیادین برنامه درسی باید مبتنی بر اصول، مبانی و ارزش‌های اسلامی ناب، یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی باشد، برنامه‌هایی منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط آفرین، نقش بسزایی در تحول و تعالی آموزش عالی دارد. دوستی و همکاران (1394) پژوهشی تحت عنوان آینده پژوهی در محتوای برنامه درسی در دانشگاه پیام نور نکا انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که آینده پژوهی را می‌توان بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی درسی هر کشور برای دستیابی به آینده مطلوب در محتوای درسی دانست که با محاسبه الزامات و اقتضات دنیای جدید، مسیر توسعه و پیشرفت جوامع را با بهره‌گیری از فرآیندهای علمی هموار می‌کند. با این موفقیت این برنامه و سودمندی و صحت یافته‌های آن و سرانجام نتیجه بخش بودن آن در گرو عوامل متعددی است که بی‌توجهی به آن‌ها آسیب جبران‌ناپذیر را برای هر کشور وارد می‌کند.

نعمان مالک^۱ و همکاران (2019) پژوهشی تحت عنوان بررسی آگاهی از دانش آینده‌پژوهی دانشجویان و برنامه درسی آموزش فناوری در پاکستان انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که 71٪ دانشجویان از دانش آینده‌پژوهی در رشته‌های مربوطه خود آگاه نیستند، تنها 17٪ دانشجویان تعریف اساسی دانش آینده‌پژوهی را می‌دانند، و 12٪ دانش‌آموزان فقط تصویری از رابطه دانش آینده‌پژوهی با آموزش فن‌آوری دارند. همچنین مشاهده می‌شود که برنامه درسی فعلی آموزش فن‌آوری به طور دقیق موضوعات یا مباحث خاصی را پوشش نمی‌دهد که می‌تواند به دانش‌آموزان در درک مفاهیم دانش آینده‌پژوهی کمک کند. ویلیامسون^۲ (2018) پژوهشی تحت عنوان دانش آینده‌پژوهی و برنامه درسی که در مدارس عصر دیجیتال آلمان انجام داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که انواع دانش پژوهی و روش‌های یادگیری که در یادگیری غیررسمی خارج از مدرسه وجود دارد، برای یادگیری چگونگی تبدیل به یک نوع یادگیری مدرن، دارای اهمیت بسزایی است. سیستم رسمی آموزش و پرورش باید به عنوان یک هدف درسی معتبر، روش‌هایی برای تلاقی با این نوع یادگیری پیدا کند.

سراج^۳ (2017) پژوهشی تحت عنوان بررسی آینده‌پژوهی در توسعه برنامه‌های درسی و سیاست‌های آموزشی کشور ایالات متحده انجام داد. یافته‌ها نشان داد که آینده‌پژوهی در توسعه برنامه‌های درسی و سیاست‌های آموزشی کشورها را مهم و حیاتی هستند و چارچوبی برای تدوین برنامه‌های درسی و برنامه‌های راهبردی می‌باشد. عبدالحصیب^۴ و همکاران (2016) پژوهشی تحت عنوان تأثیر نحوه برنامه درسی بر دانش و نگرش پژوهی دانشجویان پزشکی نسبت به تحقیقات بهداشتی در پاکستان انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که گروه دانش پژوهی در تمام ابعاد نسبت به گروه نگرش پژوهی نمرات به مراتب بالاتر را نشان داد، و با آگاهی بهتر، نگرش‌های سالم‌تری نسبت به تحقیقات علوم بهداشتی نشان داد. از این رو، تأثیر مثبت برنامه‌های درسی دانش پژوهی بر نگرش پژوهی ممکن است در بهبود نتایج تحقیق دانشجویان پزشکی در پاکستان مفید باشد. تامپسون^۵ و همکاران (2015) پژوهشی تحت عنوان بررسی دانش پژوهی معلمان و دانش پژوهی آموزشی در یک برنامه درسی علوم فیزیکی دانشکده میانه در مورد نیرو و حرکت در ایالات متحده انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که دانشجویان با ایده‌های نادرست در مورد نیرو و حرکت به برنامه درسی می‌آیند، اما با جمعیت قابل مقایسه‌ای که در ادبیات مشاهده می‌شود، مطابقت دارند. علاوه بر این، درک دانشجویان از مفاهیم نیرو و حرکت پس از آموزش برنامه درسی تغییر کمی صورت گرفته است. مولان^۶ و همکاران (2014) پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر برنامه درسی یکپارچه مبتنی بر دانش پژوهی بر تجارب تحقیقاتی خود درک شده دانشجویان پزشکی در مکان‌های جامعه: یک تحلیل قبل و بعد از آزمون سه گروه دانشجویی در کره-جنوبی انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که توانایی تحقیق دانشجویان پزشکی می‌تواند با تأمین برنامه درسی پزشکی یکپارچه پزشکی مبتنی بر دانش پژوهی تأثیر مثبت داشته باشد و بیشتر توسط تجارب یادگیری معتبر، که از طریق انجام پروژه‌های تحقیقاتی «دستی»، به دست آمده، تحت نظارت و مربیگری تحقیقات تثبیت شود.

پارسا^۷ و همکاران (2011) نظام آموزشی هر کشوری باید برای تحقق شایسته اهداف خود باید بتواند فراگیران را به دانش و مهارت‌هایی مجهز سازند که بتوانند تحولات و مسایل آینده را شناسایی کنند و برای آن آماده گردند؛ چرا که اولین و مهم‌ترین نظام آموزشی، آماده‌سازی فراگیران برای نیازها، چالش‌ها و تقاضاهای آینده است. آنچه در مدارس کارآفرینی به عنوان شعار مطرح می‌شود این است که "مشکلات یک فرصت هستند." فرد برای کارآفرین شدن نیاز دارد که ابتدا مشکلات و معضلاتی که در اطرافش وجود دارد را شناسایی کند و آن‌ها را به چشم مانع نبیند. باید مشکلات را به عنوان فرصت تازه در نظر بگیریم و برای برطرف کردن آن به راه‌حلهایی سریع و بدیع فکر کنیم. برای رسیدن به این هدف مدارس کارآفرینی با مفهومی تحت عنوان

1. Noman Malik

2. Williamson

3. Siraj

4. Abdul Haseeb

5. Thompson

6. Mullan

7. Parsa

خلاقیت ساختار شکنانه شروع به کار می‌کنند. آن‌ها با این مفهوم سعی در افزایش توانایی برای تغییر نگرش نسبت به جهان دارند.

بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی در مدارس کارآفرین، برای رسیدن به جزئی‌ترین اهداف یک واقعیت انکارناپذیر است. در واقع باید گفت مشکلات کنونی جامعه بشری در مجموع ناشی از دو عامل است اول عدم شناخت هوشمندانه آینده در مقاطع زمانی گذشته و دوم تحولات حیرت‌آور در عرصه فناوری همراه با روند شتابان جهانی شدن، بر همین اساس امروز جهت جبران خطاهای گذشته، شناخت تحولات آینده با رویکرد آینده نگارانه ضروری و از اولویت‌های اصلی است. لذا با توجه به موارد فوق پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که آیا دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارائه مدل تاثیر دارد؟

هدف پژوهش حاضر "تاثیر دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارائه مدل" است که در این راستا سؤال‌های پژوهش به شرح ذیل بوده است:

- 1- مولفه‌های دانش آینده پژوهی کدام موارد می‌باشد؟
- 2- برنامه آموزشی مدارس کارآفرین چگونه است؟
- 3- برنامه درسی مدارس کارآفرین چگونه است؟
- 4- تاثیر دانش آینده پژوهی بر برنامه درسی چگونه است؟
- 5- تاثیر دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی چگونه است؟
- 6- مدلی پیشنهادی برای دانش آینده پژوهی و تاثیر آن بر برنامه آموزشی و درسی چگونه است؟

روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، روش گردآوری اطلاعات میدانی و ماهیت توصیفی از نوع پیمایشی است. در این پژوهش جامعه آماری شامل کارشناسان علوم تربیتی، اساتید هیأت علمی دانشگاه و متخصصین برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران در سال 1399 که تعداد آن‌ها 194 (146 مرد و 47 زن) نفر می‌باشد. با توجه به حجم جامعه، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر حسب جنسیت 123 نفر از کارشناسان و متخصصین به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جامعه آماری در بخش کیفی شامل 12 نفر از کارشناسان علوم تربیتی، اساتید هیأت علمی دانشگاه و متخصصین برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند ضمن در نظر گرفتن قانون اشباع انتخاب شدند. محقق جهت ابزار پژوهش از دو پرسشنامه استاندارد و یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده نمود. پرسشنامه اول دانش آینده‌پژوهی که توسط پارسا و همکاران در سال (1390) ساخته شد. که شامل 45 سوال و چهار خرده مقیاس (درک مفهومی؛ توانایی محاسبات؛ روحیه آینده نگری؛ روش‌شناسی) می‌باشد. که با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری می‌شود. روایی و پایایی پرسشنامه تأیید شد که پایایی در پژوهش حاضر بر اساس ضریب آلفای کرونباخ 0/78 به دست آمد. پرسشنامه دوم برنامه درسی که توسط شیخی در سال (1388) طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۹ سوال و شامل سه خرده مقیاس (جو اجتماعی و ارتباطات متقابل انسانی، ساختار فیزیکی و ساختار سازمانی) می‌باشد و بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت با سوالاتی مانند (نحوه ارتباط رسمی بین کارکنان چگونه است) به سنجش برنامه درسی می‌پردازد. روایی و پایایی پرسشنامه تأیید شد که پایایی در پژوهش حاضر بر اساس ضریب آلفای کرونباخ 0/84 به دست آمد. برنامه‌ریزی آموزشی که توسط محقق تدوین شد که بر اساس مدل نظریه مبنایی حاصل از مصاحبه‌های ساختاریافته تنظیم شده است. این مقیاس دارای ۷ گویه می‌باشد که با یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (خیلی ضعیف تا خیلی خوب) و هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۵ است. با سوالاتی مانند: (وضعیت مهارت‌های پایه‌ای فراگیران در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند مهارت‌های رایانه‌ای، چگونه است؟) وضعیت نظام برنامه‌ریزی آموزشی را می‌سنجد. روایی و پایایی پرسشنامه تأیید شد که پایایی در پژوهش حاضر بر اساس ضریب آلفای کرونباخ 0/86 به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های

آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، نمودار ستونی و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و از مدلسازی معادلات ساختاری جهت آزمون سؤال‌ها و برازش مدل) از طریق برنامه نرم‌افزاری SPSS22 و Lisrel استفاده شد.

یافته‌های پژوهش:

توصیف داده‌ها:

جدول 1: جدول توزیع فراوان

متغیر	فراوانی	درصد	انحراف استاندارد
جنسیت	مرد	93	0.43
	زن	90	24.4
سن	کمتر از 30	29	0.733
	30-45	57	46.3
	بیشتر از 45	37	30.1
تحصیلات	کاردانی	7	0.54
	کارشناسی	81	65.9
	کارشناسی ارشد و بالاتر	35	28.5

همان‌طور که در جدول شماره (1) قابل مشاهده است بیشترین فراوانی مربوط به کارشناسی با (65.9 درصد) و کمترین فراوانی مربوط به کاردانی (5.7 درصد) می‌باشد. 75.6 درصد از شرکت‌کننده مرد و 24.4 درصد نیز زن بودند. بیشترین فراوانی مربوط به بازه سنی 30-45 سال می‌باشد که 46.3 درصد از کل می‌باشد.

نرمال بودن داده‌ها:

جدول 2: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیر	اماره کولموگروف	سطح معنی‌داری
دانش آینده پژوهی	0.260	0.160
برنامه درسی	0.146	0.120
برنامه آموزشی	0.182	0.159

جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای موجود در پژوهش از کولموگروف اسمیرنوف استفاده گردید که در جدول (2) قابل مشاهده است، نتایج نشان داده است که سطح معناداری دانش آینده پژوهی، برنامه درسی و برنامه آموزشی بیش‌تر از 0/05 محاسبه شده و طبق فرضیات آزمون کولموگروف فقط توزیع داده‌های دانش آینده پژوهی، برنامه درسی و برنامه آموزشی از توزیع آماری نرمال پیروی می‌کند.

تحلیل عاملی

در انجام تحلیل عاملی، ابتدا باید از این مسأله اطمینان حاصل شود که آیا می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل مورد استفاده قرار داد یا نه؟ بنابراین در ابتدا به بررسی مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی می‌پردازیم. روش‌های مختلفی برای این کار وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به محاسبه مقدار KMO اشاره کرد که مقدار آن همواره بین 0 تا 1 در نوسان است. در صورتی که مقدار KMO کمتر از 0.50 باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین 0.50 تا 0.69 باشد، می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت، ولی در صورتی که مقدار آن بزرگتر از 0.7 باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود.

از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها مینی بر اینکه ماتریس همبستگی‌هایی که پایه تحلیل قرار می‌گیرد، در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون بارتلت استفاده شده است. به عبارت دیگر با استفاده از آزمون بارتلت می‌توان از کفایت نمونه‌گیری اطمینان حاصل کرد. نتایج حاصل که در جدول شماره 3 نشان داده شده است، نشانگر مناسب بودن همبستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی و کفایت نمونه‌گیری است، از این رو می‌توان به تحلیل عاملی، اقدام کرد.

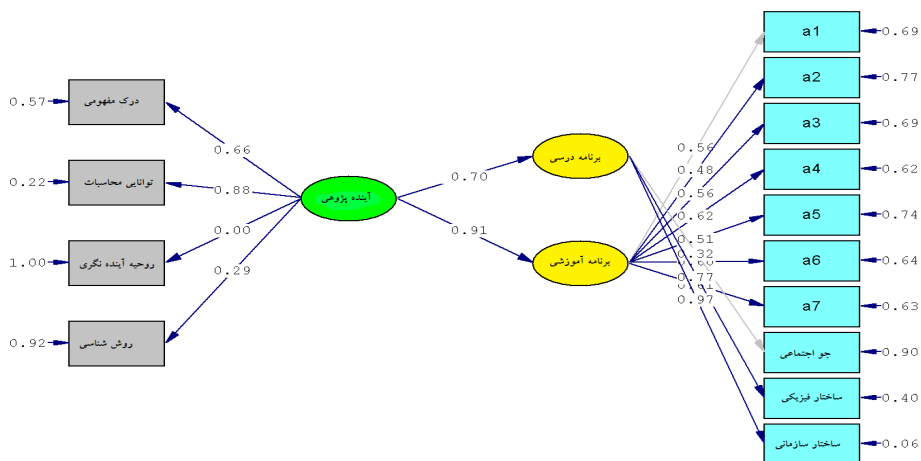
جدول 3: آزمون KMO و بارتلت

کایزر-میر-اوکلین اندازه‌گیری کافی نمونه‌گیری.	0.794
تست کرووی بارتلت درجه آزادی	621.759
سطح معنی‌داری	91
	0.000

با توجه به عدد KMO (بزرگ‌تر از 0/7) و عدد معناداری آزمون بارتلت ($sig < 0.05$) می‌توان گفت که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است و از شرایط مورد نیاز برخوردار است.

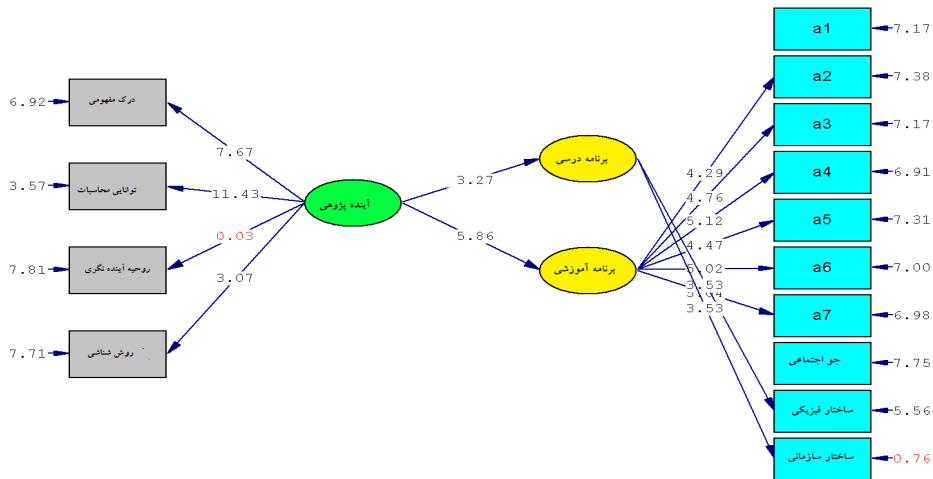
مدل اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق:

نمودارهایی که در بخش زیر آورده‌ایم مدل ابعاد هر یک از عوامل در حالت استاندارد و معناداری را نشان می‌دهد. همان طور که این نمودارها نشان می‌دهد، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تایید شده است.



Chi-Square=154.36, df=75, P-value=0.00000, RMSEA=0.093

شکل 1: مدل اندازه‌گیری ابعاد هر یک از مولفه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی در حالت استاندارد



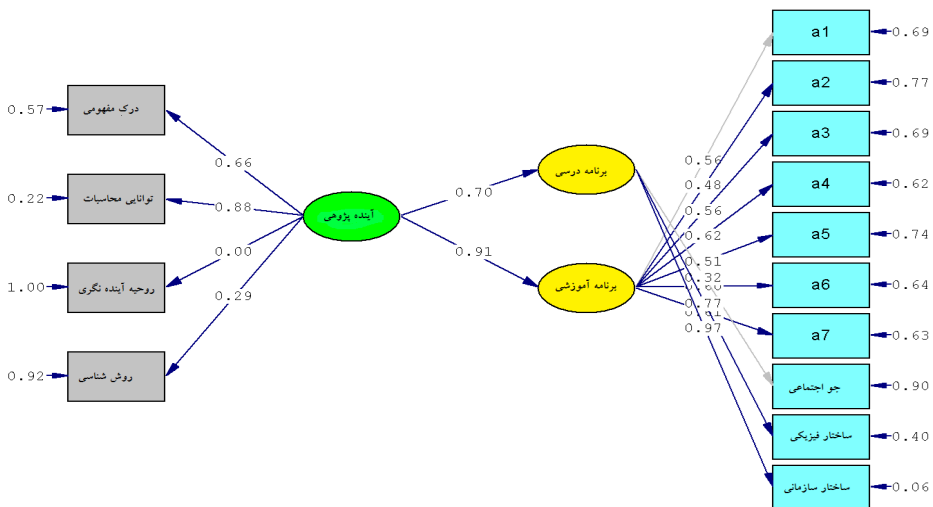
Chi-Square=154.36, df=75, P-value=0.00000, RMSEA=0.093

شکل 2: مدل اندازه‌گیری ابعاد هر یک از مولفه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی‌داری

نمودارهایی که در این بخش آورده‌ایم اندازه‌گیری ابعاد هر یک از مولفه‌ها در حالت استاندارد و معناداری را نشان می‌دهد. همان‌طور که این نمودارها نشان می‌دهد، عضویت کلیه عوامل بررسی شده تأیید شده است.

آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روابط ساختاریافته خطی:

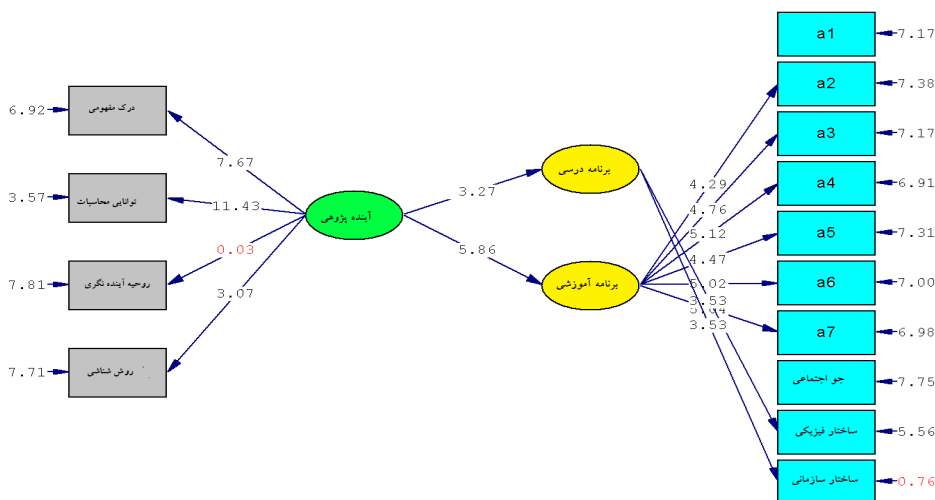
پس از تعیین مدل‌های اندازه‌گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، سوال‌های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند. نتایج آزمون فرضیه‌ها در نمودار منعکس شده‌اند.



Chi-Square=154.36, df=75, P-value=0.00000, RMSEA=0.093

شکل 3: اندازه‌گیری مدل کلی و نتایج فرضیه‌ها در حالت استاندارد

شکل 3 مدل معادلات ساختاری تحقیق را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد. مقدار بدست آمده برای هر یک از مولفه‌های برنامه درسی مدارس و برنامه آموزشی به ترتیب برابر با 0.70 و 0.91 می‌باشند که این مقدار بزرگ‌تر از 0.05 می‌باشد و بیانگر این مطلب است که مدل معادلات ساختاری مولفه‌های مورد نظر را در حالت تخمین استاندارد تبیین می‌کند.



Chi-Square=154.36, df=75, P-value=0.00000, RMSEA=0.093

شکل 4: اندازه گیری مدل کلی و نتایج فرضیه ها در حالت معنی دار

شکل 4 مدل معادلات ساختاری تحقیق را در حالت معنی‌داری (سطح معنی‌داری) نشان می‌دهد. مقدار بدست آمده برای هر یک از مولفه‌های برنامه درسی مدارس و برنامه آموزشی به ترتیب برابر 3.27 و 5.8 می‌باشند که این مقدار از 1.96 بیشتر می‌باشد و بیانگر این مطلب است که مدل معادلات ساختاری مولفه‌های مورد نظر را در حالت معنی‌داری (سطح معنی‌داری) تبیین می‌کند.

سؤال اصلی: دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارائه مدل تاثیر دارد؟

بر اساس شکل شماره (4) مقدار سطح معنی‌داری در برنامه آموزشی و برنامه درسی به ترتیب برابر 3.27 و 5.86 می‌باشد که مقدار آن از 1.96 بزرگ‌تر است در نتیجه با احتمال 95٪ می‌توان ادعان نمود که سوال H_1 تایید می‌شود پس دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارائه مدل تاثیر دارد.

سؤال 1: مولفه‌های دانش آینده پژوهی کدام موارد می‌باشد؟

جدول 4: آزمون T در خصوص مولفه‌های دانش آینده پژوهی

متغیر	تعداد نمونه	میانگین	T محاسباتی	رتبه اهمیت	Sig.
درک مفهومی	123	32.49	39.626	2	0.000
توانایی محاسبات	123	33.15	46.584	1	
روحیه آینده نگری	123	20.63	52.562	4	
روشن شناسی	123	23.19	40.599	3	

نتایج بررسی داده‌ها در جدول 4 نشان می‌دهد در سطح اطمینان 95 درصد ($\alpha=0.05$)، درک مفهومی، توانایی محاسبات، روحیه آینده نگری و روش‌شناسی از مولفه‌های دانش آینده پژوهی می‌باشند.
سؤال 2: برنامه آموزشی مدارس کارآفرین چگونه است؟

جدول 5: آزمون t جهت بررسی برنامه آموزشی مدارس کارآفرین

متغیر	تعداد نمونه	میانگین نمونه	انحراف معیار	محاسباتی t	درجه آزادی	سطح معناداری
برنامه آموزشی	123	24.12	6.32	7.222	122	0.000

بر اساس جدول 5 همان‌طور که قابل مشاهده است در سطح اطمینان 95 درصد ($\alpha=0.05$)، داده‌ها سوال صفر (H_0) را رد و سوال پژوهش (H_1) را تایید می‌نمایند، چرا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$). بنابراین می‌توان ادعا نمود برنامه آموزشی مدارس کارآفرین تفاوت معنی‌دار دارد.
سؤال 3: برنامه درسی مدارس کارآفرین چگونه است؟

جدول 6: آزمون t جهت بررسی برنامه درسی مدارس کارآفرین

متغیر	تعداد نمونه	میانگین نمونه	انحراف معیار	محاسباتی t	درجه آزادی	سطح معناداری
برنامه درسی	123	68.79	29.66	18.248	122	0.000

بر اساس جدول 6 همان‌طور که قابل مشاهده است در سطح اطمینان 95 درصد ($\alpha=0.05$)، داده‌ها سوال صفر (H_0) را رد و سوال پژوهش (H_1) را تایید می‌نمایند، چرا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$). بنابراین می‌توان ادعا نمود برنامه درسی مدارس کارآفرین تفاوت معنی‌دار دارد.
سؤال 4: تاثیر دانش آینده پژوهی بر برنامه درسی چگونه است؟

جدول 7: آزمون t جهت بررسی تاثیر دانش آینده پژوهی بر برنامه درسی

متغیر	تعداد نمونه	میانگین نمونه	انحراف معیار	محاسباتی t	درجه آزادی	سطح معناداری
برنامه درسی	123	51.61	15.958	15.958	122	0.000

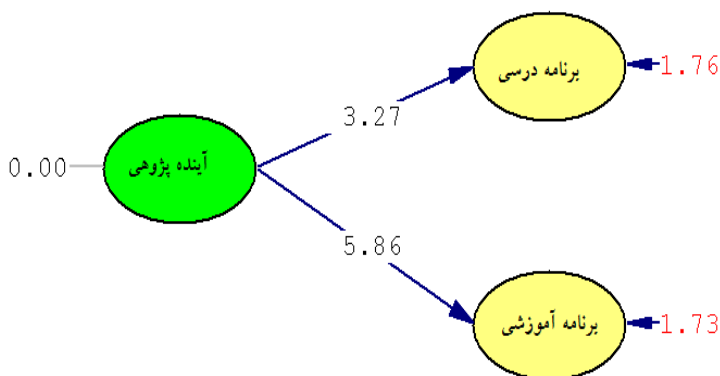
بر اساس جدول 7 همان‌طور که قابل مشاهده است در سطح اطمینان 95 درصد ($\alpha=0.05$)، داده‌ها سوال صفر (H_0) را رد و سوال پژوهش (H_1) را تایید می‌نمایند، چرا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$). بنابراین می‌توان ادعا نمود دانش آینده پژوهی بر برنامه درسی تفاوت معنی‌دار دارد.
سؤال 5: تاثیر دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی چگونه است؟

جدول 8: آزمون t جهت بررسی تاثیر دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی

متغیر	تعداد نمونه	میانگین نمونه	انحراف معیار	محاسباتی t	درجه آزادی	سطح معناداری
برنامه آموزشی	123	114.64	39.77	31.971	122	0.000

بر اساس شکل 8 همانطور که قابل مشاهده است در سطح اطمینان 95 درصد ($\alpha=0.05$)، داده‌ها سوال صفر (H_0) را رد و سوال پژوهش (H_1) را تایید می‌نمایند، چرا که ($\text{Sig.} = 0.000 < \alpha = 0.05$). بنابراین می‌توان ادعا نمود دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی تفاوت معنی‌دار دارد.

سؤال ششم: مدلی پیشنهادی برای دانش آینده پژوهی و تاثیر آن بر برنامه آموزشی و درسی چگونه است؟



شکل 5: مدل اندازه‌گیری ابعاد هر یک از مولفه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی‌داری

بر اساس شکل 5 همان‌طور که قابل مشاهده است. مقدار سطح معنی‌داری در برنامه آموزشی و برنامه درسی به ترتیب برابر 3.27 و 5.86 می‌باشد که مقدار آن از 1.96 بزرگ‌تر است در نتیجه با احتمال 95٪ می‌توان اذعان نمود که سوال H_1 تایید می‌شود پس مدلی پیشنهادی برای دانش آینده پژوهی و تاثیر آن بر برنامه آموزشی و درسی مثبت است و تفاوت معنی‌دار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

در بررسی سؤال اصلی، داده‌ها نشان داد دانش آینده پژوهی بر برنامه آموزشی و برنامه درسی مدارس کارآفرین در استان مازندران به منظور ارائه مدل تاثیر دارد. بنابراین این یافته با نتایج پژوهش‌های خلیفه و خلیفه (1397)، عراقیه و همکاران (1397)، کشاورزی و همکاران (1396)، دوستی و همکاران (1394)، قره‌خانی و معصومیان (1392)، نعمان مالک و همکاران (2019)، ویلیامسون (2018) و سراج (2017) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اشاره داشت که شناخت و آگاهی نسبت به شرایط آینده تعلیم و تربیت، نیاز اساسی مدیران تمامی سطوح آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان و معلمان می‌باشد که از طریق مطالعات آینده پژوهی پاسخ داده می‌شود، در برنامه آموزشی و برنامه درسی آموزش و پرورش، یک ضرورت قطعی است که نگرش خلاقانه به آینده پژوهی داشته باشند که این رویکرد نوآورانه می‌تواند از دل تغییرات امروز، واقعیت‌های فردا را کشف نماید.

در بررسی سؤال 1، داده‌ها نشان داد درک مفهومی، توانایی محاسبات، روحیه آینده‌نگری و روش شناسی از مولفه‌های دانش آینده پژوهی می‌باشند. بنابراین این یافته با نتایج پژوهش‌های جدالی (1395)، مرزوقی و

حیدری (1393)، طرقي (1391)، سراج (2017) و تامپسون و همکاران (2015) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اشاره داشت که انتظار می‌رود همه عوامل آموزشی در خدمت دانش‌آموز قرار گیرند و او را گام به گام به سوی موفقیت پیش ببرند. تلاش برای فراهم کردن چنین شرایطی، اهمیتی به اندازه‌ی سرنوشت دانش‌آموزان دارد.

در بررسی سؤال 2، داده‌ها نشان داد برنامه آموزشی مدارس کارآفرین تفاوت معنی‌دار دارد. بنابراین این یافته با نتایج پژوهش‌های خلیفه و خلیفه (1397)، جدالی (1395)، قره‌خانی و معصومیان (1392) سراج (2017) و مولان و همکاران (2014) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اشاره داشت که ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌ی درسی مدارس موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری فراگیران و افزایش ارتباط میان مدرسه و صنعت و کشاورزی است و نیز فرصتی برای آزمون محتوا و روش‌های تدریس کارآفرینی به‌خاطر تازگی موضوع ایجاد می‌کند، به این ترتیب کارآفرینی باید نقطه آغاز برنامه درسی قرار بگیرد.

در بررسی سؤال 3، داده‌ها نشان داد برنامه درسی مدارس کارآفرین تفاوت معنی‌دار دارد. بنابراین این یافته با نتایج پژوهش‌های عراقیه و همکاران (1397)، کشاورزی و همکاران (1396)، دوستی و همکاران (1394)، عبدالحصیب و همکاران (2016) و مولان و همکاران (2014) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اشاره داشت که برنامه درسی شاخه کار و دانش بیانگر این است که برنامه در جهت ایجاد کارآفرینی در حدی پایین‌تر متوسط است که نمی‌تواند به طور کامل هدایت‌گر به سوی کارآفرینی باشد. کارآفرینی یک ویژگی ارثی و انتسابی نیست بلکه اکتسابی است. با مهیا کردن یک سری شرایط می‌توان آن را آموزش داد و آموخت. برای دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به کارآفرینی که خواهان راه‌اندازی کسب و کار جدید یا خواهان راه-اندازی کسب و کار قبلی خود می‌باشند می‌توان دوره‌هایی را برگزار کرد که متناسب با اهداف آن‌ها بوده و نیازهای عملی و نظری آن‌ها را برآورده می‌سازد.

در بررسی سؤال 4، داده‌ها نشان داد دانش آینده‌پژوهی بر برنامه درسی تفاوت معنی‌دار دارد. بنابراین این یافته با نتایج خلیفه و خلیفه (1397)، شاورزی و همکاران (1396)، دوستی و همکاران (1394)، قره‌خانی و معصومیان (1392)، ویلیامسون (2018) و سراج (2017) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اشاره داشت که پدیده محوری و کانونی در محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده‌پژوهی آموزش عالی بازنگری محتوای برنامه درسی با تاکید بر آینده‌پژوهی است. یعنی از طریق کم کردن حجم برنامه‌های درسی از پیش تدوین شده و تغییر سرفصل‌ها و روش آموزش با توجه به نیاز فراگیران، با هدف نهایی اصلاح و بازنگری سرفصل‌ها، نیازهای جامعه و شرایط هر منطقه در نظر گرفته شود.

در بررسی سؤال 5، داده‌ها نشان داد دانش آینده‌پژوهی بر برنامه آموزشی تفاوت معنی‌دار دارد. بنابراین این یافته با نتایج پژوهش‌های جدالی (1395)، مرزوقی و حیدری (1393)، مرادی و همکارانش (1392)، طرقي (1391)، تامپسون و همکاران (2015) و مولان و همکاران (2014) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اشاره داشت که آینده‌پژوهی در حوزه آموزش هنوز قلمرویی ناشناخته در حال تکامل و نسبتاً بدون تحقیق باقی مانده است. از این رو بررسی اصول آینده‌پژوهی در امر برنامه آموزشی کمتر به چشم می‌خورد. برای آینده‌پژوهی بایستی علاوه بر توجه به مسائل و موضوعات نوظهور و شگفتی‌سازها، به بررسی عدم قطعیت‌های آینده در این حوزه پرداخته می‌شود.

در بررسی سؤال 6، داده‌ها نشان داد مدلی پیشنهادی برای دانش آینده‌پژوهی و تاثیر آن بر برنامه آموزشی و درسی مثبت است و تفاوت معنی‌دار دارد. بنابراین این یافته با نتایج شاورزی و همکاران (1396)، دوستی و همکاران (1394)، قره‌خانی و معصومیان (1392) ویلیامسون (2018) و سراج (2017) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده باید اشاره داشت که برنامه آموزشی ابزارهای مهم و اساسی است که اهداف آموزش آینده را به آموزش‌گیرندگان منتقل می‌کند و به آن‌ها می‌شناساند. در همین جا است که مفهوم‌نوسازی برنامه آموزشی شکل می‌گیرد. این در حالی است، که برنامه درسی شاخه کار و دانش در ارتباط با موضوع کارآفرینی باشد. تأملی در برنامه‌های درسی و اجرایی در شاخه‌ی کار و دانش، به وضوح نمایانگر ضعف‌هایی محتوایی، ساختاری و اجرایی در بارورسازی کارآفرینی است که ترمیم این موارد اهمیتی دوچندان دارد.

پیشنهادها:

با توجه به سؤال اصلی پیشنهاد می‌شود: مطالعات آینده پژوهی با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و تجارب حال، در سطح کلان به تعیین اهداف و سیاست و طرح‌ریزی برنامه درسی و آموزشی که وابسته به چشم‌انداز آینده باشد، می‌بایست اقدامات موثر و کارآمد انجام دهد.

با توجه به سؤال 1 پیشنهاد می‌شود: برنامه درسی شاخه کار و دانش به موضوع کارآفرین مورد توجه قرار گیرد. و بقیه شاخص‌های نظام آموزشی توجه گردد.

با توجه به سؤال 2 پیشنهاد می‌شود: باید آموزش کارآفرینی را در تمام مقاطع آموزش توسعه داد به طوری که تأکید مقطع ابتدایی بر هدف نخست و تأکید مقاطع راهنمایی و متوسطه بر اهداف بعدی باشد.

با توجه به سؤال 3 پیشنهاد می‌شود: باید معلمان مدارس را به سواد کارآفرینی مجهز کرد و در صورت زمان بر بودن، می‌توان از مربیان خارج از مدرسه استفاده نمود.

با توجه به سؤال 4 پیشنهاد می‌شود: کلاس‌های آموزشی برای تمامی دانش‌آموزان جهت آشنایی با رویکرد آینده پژوهی و تأثیر آن در روش تدریس‌ها و اجرای برنامه‌ها تشکیل گردد.

با توجه به سؤال 5 پیشنهاد می‌شود: مهارت‌های آینده پژوهی از طریق جادادن آن در نظام آموزشی و پرورش و برنامه‌های آموزشی کشور به استقبال بهبود یادگیری رفت.

با توجه به سؤال 6 پیشنهاد می‌شود: مسئولین اداره آموزش و پرورش دانش‌آموزان را به اندازه کافی برای دانش آینده پژوهی و تأثیر آن بر برنامه آموزشی و درسی آموزش دهند و هدایت کنند تا هنگام کار در تیم‌های نوآوری موفق باشند.

1. همه مدارس کارآفرین زمینه استفاده مناسب از آینده پژوهی را برای دانش‌آموزان فراهم آورند.
2. مطالعات آینده پژوهی باید نیازسنجی آموزش و تربیت جامعه را در نظر بگیرد.
3. فرصت‌ها و تهدیدات آینده در برنامه درسی بایستی شناسایی و در جهت بهبود برنامه درسی راهکارهایی انجام بگیرد.

منابع

- جدالی، زکیه (۱۳۹۵). آینده پژوهی در آموزش عالی و ضرورت توجه به آن. همایش ملی دانشگاه محور توسعه، دانشگاه پیام نور تربت حیدریه، تربت حیدریه، برگرفته از https://www.civilica.com/Paper-NCUDD01-NCUDD01_093.html
- خضری، عباس، مرزوقی، رحمت‌الله، جهانی، جعفر، و رزمجو، سیدآیت‌الله (1398). طراحی چارچوب ارزش-یابی برنامه درسی جدید زبان انگلیسی دوره متوسطه جمهوری اسلامی ایران. پژوهش در برنامه درسی، سال شانزدهم، شماره 2، پیاپی 62، ص 147-161.
- خلیفه، رضا، و خلیفه، مصطفی (1397). رویکرد آینده پژوهی و نقش و اهداف آن در برنامه درسی تعلیم و تربیت نوین شهرستان مرودشت. آموزش پژوهی، دوره 9، شماره 15، ص 19-30.
- دوستی، زهره، خمیس‌آبادی، مرجان، و میدانی، محمود (1394). آینده پژوهی در محتوای برنامه درسی دانشگاه پیام نور نکا. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی.
- رضایی، هانیه (۱۳۹۵). بررسی برنامه درسی دوره ابتدایی ایران و اهداف تربیت اخلاقی. دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، برگرفته از https://www.civilica.com/Paper-RECON02-RECON02_017.html
- زمانی‌مقدم، افسانه (1394). نقش متاتئوری‌ها در برنامه درسی. اولین همایش مدیران آموزش سازمان‌های تولیدی و خدماتی، تهران.
- عراقیه، علیرضا، و باقرنژاد، رقیه (1397). تبیین آینده پژوهی در ارتقاء برنامه درسی موسسه آموزش عالی علامه خویی (ره) شهرستان خو. دومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، شرکت بین‌المللی کوش.
- قادری، مصطفی (1393). بسترهای فهم برنامه درسی. تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- کریم‌زاده، صمد (1392). مقدمات برنامه ریزی درسی-آموزشی. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز.
- کشاورزی، مهدی، یارمحمدیان، حسین، و نادری، محمدعلی (1396). محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال هشتم، شماره 16، ص 119-138.
- کمالی، حامد، کمالی، زهرا، و بویئی، بهزاد (1395). فرایند برنامه درسی آموزش عالی در ایران: فرصت‌ها؛ چالش‌ها. کنگره ملی آموزش عالی در ایران.
- گوهری‌فر، مصطفی، آذر، عادل، و مشبکی، اصغر (1394). آینده پژوهی: ارائه تصویر آینده سازمان با استفاده از رویکرد برنامه ریزی سناریو (مورد مطالعه: مرکز آمار ایران). نشریه علوم مدیریت ایران، دوره 10، شماره 38، ص 36-65.

- محمدمین‌زاده، لیلا، سیفی، محمد، و فقیهی، علیرضا (1394). ارزیابی برنامه درسی دوره متوسطه (شاخه کار و دانش) با نظر به موضوع کارآفرینی از دیدگاه متخصصان. *فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی*، سال سوم، شماره 6، ص 143-164.
- مشایخ، فریده (1393). *دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی*. تهران: انتشارات سمت.
- مظاهری، حسن (1396). آموزش و پرورش دوره متوسطه از منظر آینده پژوهی. *مجله علم و هنر یاددهی و یادگیری*، ص 934-949.
- Abdul Haseeb, R., Bilal, M., corresponding author, M., Ansari, A., Raheem, A., & Khan, A. (2016). Impact of Mode of Curriculum on Knowledge and Attitudes of Medical Students towards Health Research. *Journal ListJ Clin Diagn Resv*, 10 (4), 15-19.
- Noman Malik, M., Hayat Khan, H., Gholamzadeh Chofreh, A., Ariani Goni, F., Klemeš, J.J., & Alotaibi, Y. (2019). Investigating Students' Sustainability Awareness and the Curriculum of Technology Education in Pakistan. *Journal sustainability*. Retrieved from <http://www.mdpi.com>.
- Mullan, J., author, C., Weston, K.M., Rich, W.C., & McLennan, P.L. (2014). Investigating the impact of a research-based integrated curriculum on self-perceived research experiences of medical students in community placements: a pre- and post-test analysis of three student cohorts. *Journal ListBMC Med Educv*, 14(161), 72-86.
- Siraj, S. (2019). *Future state curriculum planning: Prospect and Challenges*. Pangkep province, South of Sulanesi, Indonesia.
- Thompson, J.R., Stetzer, M.R., & Wittmann, M.C. (2015). *Investigating Teachers' Content Knowledge and Pedogogical Content Knowledge in a Middle School Physical Science Curriculum on Force and Motion*. Daniel Patrick Laverty, University of Maine. Retrieved from <https://digitalcommons.library.umaine.edu/etd/2410>.
- Williamson, B. (2018). The Future of the Curriculum: School Knowledge in the Digital Age. *Asian Journal of Research and Reports in Endocrinology journalajrre*. Com.

The effect of future research knowledge on the educational program and curriculum of entrepreneurial schools in Mazandaran province in order to present a model

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of future research knowledge on the educational program and curriculum of entrepreneurial schools in Mazandaran province in order to present a model. The purpose of this study was field data collection method and descriptive survey method. The statistical population consisted of all experts in the curriculum and curriculum of Entrepreneurship Schools in Mazandaran Province in the academic year of 1389-99 in 194, using Krejcie and Morgan table and stratified random sampling (by gender). 123 persons were selected as sample size. Data were collected using standard questionnaires of futures research knowledge of Parsa et al. (2011), Sheikh curriculum (2009) and researcher-made educational planning questionnaire. The validity of these questionnaires was confirmed by experts. Reliability was calculated by Cronbach's alpha coefficient (future research knowledge = 0.78, curriculum 0.84 and educational planning 0.86%). Descriptive and inferential statistics were used for data analysis using Spss and Lisrel software. The results showed that future research knowledge affects the curriculum and curriculum of entrepreneurial schools in Mazandaran province in order to present the model.

Keywords: Futurology, educational program, Curriculum, Entrepreneurial Schools.